

عوامل مؤثر بر صدور مجازات‌های جایگزین حبس

داوود خاکساری* حسین غلامی**

(تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۲۷)

چکیده؛

دیدگاه‌های نوین جرم‌شناسی، کیفرشناسی و جامعه‌شناسی جنایی که تا حدودی مبتنی بر اصلاح و درمان مجرمان و بازپذیری اجتماعی آنها هستند تأثیرات شگرفی را بر حقوق کیفری که صرفاً دارای جنبه‌های سزادهی و اراعی محض است برجای گذاشته و از این طریق هم موجبات تلطیف حقوق تنبیهی و هم اثبات ناکارآمدی برخی از انواع مجازات‌ها از جمله زندان را فراهم آورده است. در ادامه روند تعدیل اندیشه‌های سختگیرانه کیفرگرا و اصلاح ساختار آسیب‌زای زندان، امروزه استفاده از جایگزین‌های حبس در دستور کار قرار گرفته است، چنانکه قانونگذار ایرانی به پیروی از سیاست‌های سایر کشورها تقریباً ۵ درصد از مواد کتاب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را به این گونه از مجازات‌ها اختصاص داده است. به دنبال این رویکرد به نظر می‌رسد تحلیل و بررسی عملکرد قضات نسبت به کمیّت و کیفیت استفاده از این مجازات‌ها، کاربردی و مفید باشد. باید مشخص شود چه عواملی موجبات استفاده و یا عدم استفاده از این مجازات‌ها را فراهم می‌آورد؟ قضات برای استفاده از این ابزارهای اصلاحی - درمانی با چه چالش‌هایی روبرو هستند؟ پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها در گرو تجزیه و تحلیل آراء صادره از دادگاه‌ها است که در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار تحلیلی SPSS انجام شده است. در نتیجه این بررسی می‌توان گفت بعضی از انواع مجازات‌های جایگزین حبس از جمله جزای نقدی روزانه و خدمات عام‌المنفعه فاقد کارایی عملی هستند و برخی متغیرها نظیر نوع جرم، نوع مجازات، پیشینه کیفری و شغل متهم بر نوع و میزان اعمال مجازات‌های جایگزین حبس از سوی قضات تأثیرگذار هستند.

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات، دبی، امارات متحده عربی.

** دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

واژگان کلیدی: مجازات‌های جایگزین حبس، سیاست جنایی قضایی، پرونده شخصیت، ضریب همبستگی.

مقدمه

کیفرگرایی یکی از مهم‌ترین تحولات پاسخ به جرم از حدود ۵۰ سال پیش تاکنون است. در نتیجه این وضعیت، جمعیت کیفری در سراسر جهان افزایش یافته است، چنانکه جز در برخی کشورهای دارای سیاست‌های کیفرگریز، جمعیت زندان‌های آمریکا، آسیا، آفریقا و بسیاری از کشورهای اروپایی افزایش یافته است (غلامی، ۱۳۹۵: ۳۸۶). حال پس از حذف و یا بعضاً کمرنگ شدن برخی از مجازات‌های شدید مانند اعدام، سوزاندن، سنگ‌سار کردن، دو شقه کردن و ...، زندان نیز همچون یکی از گسترده‌ترین کیفرها از انتقاد اصلاح‌طلبان حقوق کیفری دور نمانده است. تحلیل و بررسی نتایج اعمال مجازات حبس نشان می‌دهد که جامعه نمی‌تواند همچنان درهای زندان‌ها را بر روی عامه مردم به خصوص فقرا، بزهکاران خرد و جوانان باز بگذارد. آموزش و تولید جرم، هدر رفتن منابع مادی و معنوی جامعه، فروپاشی خانواده‌ها، تشدید فقر و شکاف طبقاتی از جمله دلایلی هستند که توسعه و گسترش زندان را نامعقول می‌نمایند. مطالعات جرم‌شناسی و کیفرشناسی نشان می‌دهند که تمام اصلاحاتی که در رژیم زندان‌ها در دو سده گذشته متأثر از جنبش اصلاح نظام زندان‌ها صورت گرفته و به بهبود نسبی شرایط فیزیکی زندان منجر شده است، نتایج مثبت، سودمند و مؤثری بر بازپذیری اجتماعی مجرمان و پیشگیری از ارتکاب جرم نداشته است (آشوری، ۱۳۷۶: ۷). در این راستا، قانونگذار ایرانی نیز با اندکی تأخیر، با وضع قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و اختصاص فصل‌های پنجم تا نهم آن به مجازات‌های جایگزین حبس (حسینی نیک، ۱۳۹۴: ۶۱۰-۶۱۶) به پیروی از سیاست‌های کلی نظام و الهام از آموزه‌های جدید، درصدد اصلاح و درمان مجرمان، بازاجتماعی کردن آنها و نیز پرهیز از اندیشه و تدابیر سزادهی و سرکوبگری صرف برآمده است.

حال انتظار آن است که پیرو این رویکرد نوین قانونگذار، ابلاغ و آموزش قوانین مربوط در آراء قضایی عینیت یابد، اما بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، تاکنون در کمتر از یک درصد

آراء صادرشده، از مجازات‌های جایگزین حبس استفاده شده است. این در حالی است که در ۱۵ درصد احکام، قابلیت استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس وجود داشته است (رحمانیان، ۱۳۹۵: ۳). این اتفاق از یک سو برخلاف اصل مهم حق بر مجازات نشدن^۱ و مبانی متنوع آن، یعنی حق بر کرامت انسانی، حق بر زندگی، حق بر آزادی، حق بر امنیت و حق بر رفتار کرامت‌مدار است (غلامی، ۱۳۹۵: ۱۷۸-۱۸۴) و از دیگر سو موجب ابتر شدن سیاست‌های قانونگذار می‌شود.

به نظر می‌رسد سیاست جنایی قضایی که در واقع بیانگر نحوه برداشت قضات از قوانین است (ناظر زاده کرمانی، ۱۳۹۳: ۶۵)، به دلایل مختلف منطبق با سیاست جنایی تقنینی نیست. در این میان رجوع به متن و محتوای آراء صادره از دادگاه‌ها و بررسی نتایج حاصل از اعمال این قوانین می‌تواند نقاط ضعف و قوت فرایند قانونگذاری و اجرای آن را شناسایی کند. به بیانی ساده کمیّت و کیفیت محتوایی آراء آینه اندیشه‌های قضات و نشان‌دهنده یک نمای کلی از سیاست جنایی قضایی کنونی است؛ از این منظر بررسی و تحلیل رویکرد و عملکرد قضات در رابطه با مجازات‌های جایگزین حبس گریزناپذیر است. باید انواع جایگزین‌های موقّق و یا ناموقّق از هم تفکیک و نقاط ضعف و قوت هر یک بررسی شوند.

بیان مسئله

ناگفته پیداست که هدف پایدار سیاست جنایی، تضمین انسجام و ادامه حیات هیئت اجتماع (دولت و جامعه مدنی) با پاسخ به نیاز اشخاص و اموال به امنیت است. ابزار دستیابی به هدف مذکور معمولاً در تدابیر کیفری و ناکیفری جستجو می‌شود. بدیهی است هراندازه که سیاست

۱. نخستین تلاش نظری جهت تبیین حق بر مجازات نشدن توسط داگلاس هوساک صورت گرفته است. در دیدگاه هوساک مجازات برای آنکه بتواند توجیه کردنی باشد، باید به میزان و متناسب استفاده شود. همچنین، مجازات تنها نسبت به جرمی که دارای ضرر و زیان خفیف نیست باید تعیین شود و تنها نسبت به کسی باید بکار گرفته شود که مرتکب رفتار خطاکارانه یا سرزنش‌پذیر شده است (غلامی، ۱۳۹۵: ۱۷۸). مطابق این نظر هیچ کس نباید مشمول شر مجازات و ضررهای ناشی از آن شود، مگر آنکه چاره‌ای دیگر در دسترس نباشد.

جنایی بیشتر از ظرفیت‌های اجتماعی استفاده کند، در دستیابی به این اهداف توفیق بیشتری حاصل می‌کند. از این منظر به نظر می‌رسد سیاست جنایی ایران در طول دوران تقنینی و قضایی خود بیشتر مبتنی بر کیفرگرایی بوده و جامعه مدنی جایگاه حقوقی و مداخله عملی چندان در سیاست‌گذاری، مدیریت امور اجتماعی و قضایی نداشته است. آمار مربوط به جرم‌انگاری‌ها، میزان و نوع مجازات‌ها، به‌ویژه آمار مربوط به مجازات حبس بر این موضوع صحه می‌گذارند. اما شکل‌گیری آموزه‌های نوین علمی در سال‌های اخیر، اثبات ناکارآمدی مجازات سالب آزادی، مشکلات اداره زندان‌ها و تشدید آسیب‌های حاصل از آن موجب تغییراتی در خط‌مشی قانونگذار شده است. در نتیجه این تغییرات، امروز دیگر به زندان همچون یک پاسخ اصلاحی و درمانی برای مسئله جرم نگریسته نمی‌شود، بلکه زندان یک مسئله و مشکل قانونی و ساختاری انگاشته می‌شود که سلامت جامعه ایرانی را به چالش کشیده است؛ از این رو، قانونگذار بر آن است تا با اعمال پاسخ‌های جامعوی این مشکل را کمرنگ سازد.

آری، هرچند بند ۵ اصل ۱۵۶ از قانون اساسی پیشگیری از جرم و اصلاح مجرم را بر عهده قوه قضائیه گذاشته است، در طول سال‌های گذشته این دستگاه با بد مجازات کردن (زندان‌گرایی) انگار برخلاف یکی از اصول مهم قانون اساسی و انسانی جهت‌گیری و حرکت نموده و با تناقض‌های رفتاری و استفاده بیش از حد از ابزار زندان باعث افزایش تکرار جرم شده است. حال با تغییر رویکرد قانونگذار و وضع قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ روزهایی برای اصلاح، درمان و بازپذیری اجتماعی محکومان به وجود آمده است. قانونگذار کیفری با افزایش مجازات‌های جایگزین حبس و در نظر گرفتن پاسخ‌های جامعوی امکان‌تغییر و بهبود وضعیت زندان‌ها را تا حدود زیادی فراهم ساخته است. قطعاً اعمال جایگزین‌های حبس - مبتنی بر مداخله جامعه مدنی - نویدبخش پدیداری سیاست جنایی مشارکتی (کیفری، ناکیفری) خواهد بود که از آموزه‌های جدید مکتب دفاع اجتماعی نوین، کیفرشناسی و جرم‌شناسی الهام گرفته است. رویکرد جدید قانونگذار نسبت به جایگزین‌های ناکیفری و جامعوی جهت‌گیری از جرم و اصلاح و درمان مجرم متأثر از این آموزه‌های نوپا است. حال طرح این مسئله نیز

گریزناپذیر است که با وجود تحولات تقنینی صورت گرفته در قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری و ...، رویکرد نظام قضایی و قضات به جایگزین‌های حبس چگونه بوده و این نهاد جدید تا چه اندازه با استقبال یا طرد و انکار مواجه شده است؟

شناسایی محدودیت‌های قانونی و اجرایی پیش روی قضات برای اعمال این دست از مجازات‌ها و میزان اثرگذاری اعمال مجازات‌های جایگزین حبس بر کاهش آمار زندانیان از مسائل پیش‌رو و طرح کردنی هستند که می‌توانند چندین پژوهش را به خود اختصاص دهند. هرچند آشکار است که تعداد کمی از دادگاه‌ها این گونه از مجازات‌های جایگزین را اعمال می‌کنند، تجزیه و تحلیل همین اندک آراء، بسیاری از مسائل پیش‌رو را روشن خواهد ساخت. آیا قضات همان هدف قانونگذار را در صدور رأی دنبال می‌کنند؟ آیا قضات در صدور مجازات‌های جایگزین به متغیرهای قانونی (انگیزه مرتکب، شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن، سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و ...) توجه دارند؟ چه عواملی در صدور این نوع از مجازات‌ها مؤثر هستند؟ و پرسش‌های دیگری از این دست که پاسخ‌دهی به آنها نیازمند بررسی عملکرد قضات است. بی‌شک پیرو فرآیند قانونگذاری، ابلاغ و آموزش قانون در آراء قضایی عینیت پیدا می‌کند. با رجوع به متن و محتوای آراء صادره از دادگاه‌ها و بررسی نتایج حاصل از اعمال این آراء می‌توان نقاط ضعف و قوت فرایند قانونگذاری و اجرای آن را شناسایی کرد. محتوای آراء می‌تواند بیانگر اندیشه‌های قضات و نمای کلی سیاست جنایی حاکم باشد.

روش‌شناسی پژوهش

برای تجزیه و تحلیل کمی آراء از پرسشنامه استفاده شده است. با توجه به اینکه واحد تحلیل در این پژوهش فرد است، با تهیه پرسشنامه ابتدا به استخراج اطلاعات مورد نیاز متهمان از آراء صادره از دادگاه‌ها پرداختیم، در نتیجه می‌توان گفت روش استفاده شده در این پژوهش روش پیمایشی است. همچنین، نظر به اینکه هدف این پژوهش آسیب‌شناسی ماهوی و شکلی قوانین

مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس است، از نظر هدف از جمله پژوهش‌های کاربردی در عرصه قانونگذاری، اصلاح قانون و سیاست جنایی قضایی محسوب می‌شود. جامعه آماری، قلمرو مکانی و زمانی پژوهش - جامعه آماری پژوهش، آراء صادره از دادگاه‌های استان تهران است. تعداد ۲۰۰ رأی صادره از دادگاه‌های عمومی و تجدیدنظر که در سال‌های ۱۳۹۳ تا اوایل سال ۱۳۹۶ صادر شده‌اند تجزیه و تحلیل شدند.

روش نمونه‌گیری - در این پژوهش برای تکمیل پرسشنامه و تهیه اطلاعات لازم از آراء کیفری، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است. جمع‌آوری آراء از خوشه‌های مختلف سنی، جنسی، شغلی در شهر تهران به صورت سامانمند صورت گرفته است؛ مجموع این آراء کیفری آرائی بوده‌اند که مجازات‌های جایگزین حبس در آنها مورد حکم واقع شده است.

مقیاس استفاده‌شده و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها - در این پژوهش برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها از مقیاس اسمی استفاده شده است. همچنین، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به دو صورت توصیفی و استنباطی است. آمار توصیفی برای توصیف ویژگی‌های نمونه بکار رفته است. در آمار توصیفی از فراوانی، درصد فراوانی و نمودار درصد فراوانی و از آمار استنباطی برای تبیین روابط بین متغیرها و تعمیم نتایج استفاده شده است. در این پژوهش به منظور بررسی همبستگی بین متغیرهای پژوهش از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ استفاده شده است.

پیشینه موضوع

هرچند در مورد ارزیابی آراء و جایگاه مجازات‌های جایگزین حبس در آراء قضایی پژوهشی مشاهده نشد، در سال‌های پیشین بسیاری از استادان و دکترین حقوقی کیفری و جرم‌شناسی در داخل و خارج از ایران مقالات و کتب فراوانی درباره مجازات‌های جایگزین حبس نگاشته‌اند که از جمله شاخص‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

از نخستین پژوهش‌های راجع به جایگزین حبس می‌توان به پژوهش «موریس کرادول» (۱۹۵۱) ناظر به تکرار جرم و تعلیق مراقبتی اشاره کرد. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش ۱۸۶۲ بزهکار در آلاباما بود. در این پژوهش عوامل سن، وضعیت اشتغال، تعداد جرایم ارتكابی، محکومیت‌های سپری شده در قانون اصلاح و تربیت و طول مدت نظارت برای تعلیق مراقبتی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نتیجه تعلیق مراقبتی درنگریسته شدند. پژوهشگر در پایان نتیجه می‌گیرد که تعلیق مراقبتی یک روش مؤثر درمان اجتماعی است، زیرا ۷۷ درصد از بزهکاران با موفقیت مقررات تعلیق مراقبتی را رعایت کرده و دوباره مرتکب جرم نشده‌اند (Cradwell, 1951: 3-11).

در پژوهشی دیگر «آوستین» (۱۹۸۹) به بررسی تأثیر برنامه‌های آزادی پیش از موعد ایلی نویز پرداخت. این مطالعه با انتخاب اتفاقی، به مطالعه ۱۵۰۰ زندانی که بر اساس برنامه مذکور از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ آزاد شده بودند پرداخت. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که آزادی پیش از موعد احتمال بازداشت مجدد و بازگشت به زندان به دلیل تکرار جرم را در مقایسه با گروهی که مدت زندان خود را به طور کامل طی کرده‌اند، افزایش نمی‌دهد. نرخ فعلی جرایم ارتكابی آزادشدگان پیش از موعد در مقایسه با نرخ جرایم ارتكابی کسانی که مدت کامل محکومیت خود را طبق سوابق موجود در زندان ایلی نویز طی کرده بودند، نسبتاً خیلی کمتر بوده است. نتیجه دیگر این بوده است که آزادی پیش از موعد به‌طور کلی بر کاهش هزینه زندان مؤثر است. آوستین استدلال می‌کند که خطر تهدید اجتماع از طریق آزادی پیش از موعد بزهکاران ممکن است با شناسایی و آزادی مجرمانی که کمتر خطرناک هستند کاهش یابد (غلامی، ۱۳۸۰: ۱۲۷).

دکتر محمد آشوری در کتاب جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین (۱۳۸۵) چنین گفته‌اند: «اقدام‌های ناظر به جایگزین‌های زندان ممکن است ضمن برآورده کردن هدف‌های عدالت کیفری، هزینه‌های مادی و معنوی اجرای مجازات زندان را کاهش دهند. در این اندیشه، به زندان به مثابه «آخرین حربه» نگریسته می‌شود و تا هنگامی که دیگر شیوه‌های کیفردهی

دسترس پذیر و سودمند باشند، توسل به زندان ناموجه تلقی شده است. این جایگزین‌ها از نظر تاریخی ابتدا با «جایگزین‌های زندان‌های کوتاه‌مدت» وارد قلمرو نظام کیفری شدند، زیرا مشخص شد که چنین کیفری نه تنها توانایی اندکی در بازسازی و اصلاح مجرمان دارد، بلکه موجب بروز فساد و فراهم کردن عوامل و زمینه‌های ارتکاب جرم از سوی زندانیان می‌شود. ولی جایگزین‌ها به تدریج توسعه یافتند و در قوانین جزایی کشورهای مختلف وارد شدند. برخی از آنها به شکل جایگزین حبس دست قاضی را باز گذاشتند تا به جای کیفر حبس به آنها توسل جوید و برخی دیگر به شکل مستقل یک نوع مجازات تلقی شده و بر فهرست کیفرها افزوده شدند. پاره‌ای از اقدام‌های کیفری را که از روش‌های تعویق یا انصراف از کیفر حبس محسوب می‌شوند نیز می‌توان از جمله جایگزین‌ها دانست» (آشوری، ۱۳۷۶: ۸).

دکتر حسن حاجی تبار فیروز جایی، در مورد مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق کیفری ایران، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد و همچنین در کتاب منتشرشده خود بعد از تصویب قانون مجازات ۱۳۹۲ تحت همین عنوان چنین بیان نموده‌اند: «یکی از دغدغه‌های اصلی حقوق کیفری کشورها توسل به جایگزین‌هایی برای مجازات حبس است؛ جایگزین‌هایی که فاقد آثار مخرب و زیان‌بار مجازات زندان بوده و در نیل به اهداف سیاست جنایی حکومت‌ها که همان اصلاح و بازپروری مجرم، حفظ نظم و امنیت در جامعه و جبران خسارت بزه‌دیده [است] موفق و مؤثر بوده و کاستی‌های مجازات حبس را جبران کند. در نظام قانونگذاری ایران، در خصوص مجازات‌های جایگزین حبس، تاکنون متن قانونی مدون - به این شکل که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده - وجود نداشته است. اقدام قانونگذار در پیش‌بینی مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و بیان قواعد و مقررات آن در مواد ۶۴ الی ۸۷، نقطه عطفی در نظام قانونگذاری ایران محسوب می‌شود. البته برخی از این مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق ایران دارای پیشینه قانونی هستند. برای نمونه، می‌توان به محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ الحاقی ۱۳۷۷ اشاره کرد.

اما در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات‌های جایگزین با چهره‌ای کاملاً جدید پدیدار شده‌اند» (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۹۳: ۱۱۹).

دکتر جاوید صلاحی در کتاب کیفرشناسی خود (۱۳۹۲) بیان می‌دارد: «یکی از مهم‌ترین دستاوردهای توسل به مجازات‌های غیر سالب آزادی ثبات جمعیت زندان‌ها است. به عبارت دیگر، در این وضعیت، به زعم افزایش ارتکاب جرم، جمعیت زندانیان افزایش نمی‌یابد که نتیجه آن جلوگیری از اشباع زندان‌ها و تورم جمعیت زندانیان است. دومین دستاورد توسل به مجازات‌های غیر سالب آزادی، کاهش میزان ارتکاب جرم، توسط این افراد است. همچنین، سودمند بودن این جایگزین‌ها به نفع عموم و خانواده بزهکار، پایین آوردن و تعدیل هزینه‌های نگهداری و مراقبت از زندانیان از دیگر نتایج استفاده از این نوع از مجازات‌ها است» (صلاحی، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

ایشان در ادامه توجه نظام قضایی ایران به مجازات‌های جایگزین می‌گوید: «در سطوح مختلف قضایی و مدیریتی، اجماع بر این امر حاصل شده است که باید برای اصلاح و درمان مجرمان چاره‌ای جز زندان اندیشیده شود» (صلاحی، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

آقایان محمد یکرنگی و مهدی ایرانمنش در مقاله‌ای با عنوان کیفرهای اجتماع‌محور،^۱ از نظریه تا عمل، در رابطه با کار عام‌المنفعه اجتماع‌محور که یکی از انواع کیفرهای جایگزین حبس است بیان می‌دارند: «مطالبه خدمات از بزهکار نشان از آن دارد که جامعه وی را طرد ننموده است و همچنان او را عنصر مطلوبی می‌داند. از این رو، آمیزه‌ای از مجازات و بازسازی بدون آنکه انگ و برچسبی بر بزهکار زده شود، او را از تکرار بزه منصرف خواهد کرد. در این عبارت به خاصیت روانی و ذهنی این جایگزین‌ها اشاره شده است که از طریق تأثیرگذاری بر شخصیت افراد می‌توان به نوعی از وقوع جرم و بزهکاری پیشگیری نمود که از طریق زندانی کردن افراد در زندان محقق نخواهد شد» (یکرنگی و ایرانمنش، ۱۳۸۷: ۶۴).

1. Community-based punishment.

آقای حمید والهی در مقاله‌ای با عنوان جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت کیفری ضمن معرفی و بررسی گونه‌های سنتی و نوین جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران، بر استفاده از این اقدامات برای سرعت بخشیدن به روند اصلاح و درمان مجرمان تأکید می‌کند و در نهایت چنین نتیجه می‌گیرد که اجرای موفقیت‌آمیز این تدابیر نیازمند فرهنگ‌سازی مناسب در جامعه است (واله‌هی و احسان پور، ۱۳۹۴: ۳۴۷).

۱. مجازات‌های جایگزین حبس

در سال‌های اخیر اکثر نظام‌های پاسخ‌گو به جرم تلاش دارند تا با اتخاذ تدابیر درمان‌مدار زمینه اصلاح مجرمان و بازگشت آنها به جامعه را فراهم سازند و تا حد امکان با فاصله گرفتن از حقوق تنبیهی از حذف و یا طرد بزهدار جلوگیری کنند. در این راستا، سیاست اصلاح و درمان بزهدار در صدد است تا از مجرای حفظ و نگهداری مجرم در جامعه و تحت نگهداری قرار دادن او، سیاست حذف و طرد مجرم از جامعه را کنار بگذارد. به نظر بسیاری از جرم‌شناسان، هر نظام حقوقی‌ای که این راهبرد را بیشتر و عمیق‌تر پیگیری و اعمال کند، دستاوردهای آن معقول‌تر، انسانی‌تر و کارآمدتر خواهد بود. اما پژوهش‌ها بیانگر این موضوع هستند که زندان - یکی از گسترده‌ترین مجازات‌ها - توفیق چندانی در اصلاح و بازپروری زندانیان نداشته است. جرم‌زا بودن محیط زندان، هزینه اقتصادی زندان، مشکلات بهداشتی و روانی موجود در آن و ... باعث بروز انتقادات شدیدی نسبت به این مجازات شده است، به طوری که حتی موافقان آن را دچار تردید کرده و در نهایت به واکنش واداشته است. یکی از مهم‌ترین واکنش‌هایی که نسبت به این اعتراضات صورت گرفته است، پیشنهاد استفاده از جایگزین‌های مجازات حبس و اجتناب از آن، مگر همچون آخرین حربه بوده است (واله‌هی و احسان پور، ۱۳۹۵: ۲۴۷).

به نظر می‌رسد توسل به مجازات‌های جایگزین حبس ممکن است موجب کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، کاهش هزینه‌های اقتصادی، جلوگیری از فروپاشی خانواده زندانی، استفاده از

نیروی کار مجرم در جامعه، جبران خسارت بزه‌دیده و رویکرد انسانی و کرامت‌مدار نسبت به بزه‌کار شود (غلامی و ملکی، ۱۳۹۴: ۱۶۶). در نتیجه این تغییر راهبردی در حوزه مجازات‌ها، مفهوم جایگزین‌های حبس به ادبیات علمی حقوق کیفری افزوده شد. در تعریف این نوع از مجازات‌ها باید گفت: مجازات‌های جایگزین حبس مجموعه‌ای از راهکارها و ضمانت‌اجراهای کیفری با ماهیت و ساختار معمولاً اجتماع‌محور هستند که به منظور اجتناب از تعیین و اعمال مجازات حبس برای آن دسته از مجرمان که اعمال مجازات حبس و نگهداری در زندان برای آنان و جامعه خطرناک، نامفید و ناضروری است بکار گرفته می‌شود. به بیانی دیگر «جایگزین‌های کیفر سالب آزادی بدیل‌هایی هستند که یا در دادنامه کیفری یا پس از صدور حکم (در زمان اجرای مجازات) مطرح می‌شوند. با این اوصاف بدیل‌هایی مورد بحث است که قاضی در زمان صدور حکم، حق انتخاب بین اعزام محکوم به زندان و حق انتخاب نسبت به باقی‌گذارن زندانی در زندان و خارج کردن او از حبس را دارد» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۵۴۰).

باید گفت رد پای تحدید و تبدیل مجازات حبس و استفاده از جایگزین‌های حبس برای کاهش زیان‌های زندان، پیش و پس از سال ۱۳۵۷ در میان قوانین کیفری ایران مشاهد کردنی است. روشن است که تنوع و تراکم مواد قانونی مربوط به مجازات‌های جایگزین سیر صعودی داشته است، به گونه‌ای که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ گروه جدیدی از این مجازات‌ها به میان آمده‌اند. مجموع این جایگزین‌ها را می‌توان به دو دسته جایگزین‌های حبس سنتی و جایگزین‌های حبس نوین تقسیم کرد.

۱-۱. مجازات‌های جایگزین سنتی حبس

تعلیق اجرای مجازات - این جایگزین عبارت است از به تأخیر انداختن اجرای مجازات‌های ناشی از محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده توسط دادگاه صادرکننده حکم محکومیت قطعی، به منظور اصلاح و تربیت مجرم و در نتیجه بازگشت وی به زندگی عادی‌اش در جامعه! تعلیق

مراقبتی عبارت است از نظارت بر مجرم از طریق اعمال یک روش کارشناسی. این نهاد اغلب همچون وسیله‌ای انعطاف‌پذیر به دادگاه‌ها اختیار می‌دهد تا بتوانند مجازات‌های ثابتی را که تحمیل آنها احساسات و هنجارهای عمومی را مخدوش می‌کند تعدیل کنند. همچنین، تعلیق مراقبتی نظارت مستمر بر مجرمان خطرناک را مجاز می‌داند و نظام عدالت کیفری را قادر می‌سازد تا در عمل و به سرعت در مقابل تغییرات رفتاری واکنش نشان دهد. تعلیق مراقبتی در حال حاضر، تنها یک مجازات نیست، بلکه چارچوبی برای اصلاح و تربیت جامعه، متضمن تلفیق محکومیت و درجه‌بندی برحسب شدت جرم با شرایط مجرم است (آقایی نیا، ۱۳۷۶: ۱۱۶). این تعلیق ممکن است به شکل ساده یا مراقبتی و ویژه باشد. تعلیق مراقبتی در مقیاس امروزی آن، بر پایه‌ها و مبانی فلسفه بازپروری، بازدارندگی و عدالت استوار شده است (Champion, 1988: 40).

آزادی مشروط - آزادی مشروط فرصتی است که پیش از پایان دوره محکومیت به محکوم در بند داده می‌شود تا در طول مدتی که دادگاه تعیین می‌کند، چنانچه از خود رفتاری پسندیده نشان دهد و دستورات دادگاه را به موقع اجراء کند، از آزادی مطلق برخوردار شود (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۲۴۸). بی‌گمان آزادی مشروط یکی از دستاوردهای مهم مکتب تحقیقی است. در برخی از کشورها این نوع نظارت در مورد مجرمان جرایم جنسی، مرتکبان جرم قتل عمد و جرایم علیه اشخاص اعمال می‌شود (Crow, 2001: 69).

جزای نقدی - جزای نقدی عبارت است از اجبار محکوم علیه به پرداخت مبلغی وجه نقد (علی‌آبادی، ۱۳۶۷: ۱۱۲). جزای نقدی نوعی مجازات مالی تعزیری یا بازدارنده است که به موجب آن محکوم علیه مکلف به پرداخت مبلغی پول رایج در حق صندوق دولت می‌شود. جزای نقدی برخلاف دیه، دین نیست که بر ذمه محکوم علیه مستقر شود و بتوان پس از فوت او از ترکه او استیفاء کرد (احمدی، ۱۳۸۷: ۶۵).

۲-۱. مجازات‌های جایگزین حبس نوین

دوره مراقبت - دوره مراقبت را می‌توان چنین تعریف کرد: «آزادی محکوم به حبس در مدت معین زیر نظارت قاضی اجرای احکام برای انجام دستور یا دستورهای خاصی که مجرم را اجتماعی می‌کند» (زراعت، ۱۳۹۲: ۵۷).

خدمات عمومی رایگان - خدمات عمومی به معنای کار و وظیفه‌ای است که به نفع تمامی اعضای جامعه صورت می‌گیرد (خالقی، ۱۳۸۶: ۳). کار عام‌المنفعه نهادی است که به موجب آن دادگاه به مجرم پیشنهاد می‌کند تا با انجام کاری به نفع جامعه به جای رفتن به زندان درصدد جبران خطای ارتكابی خویش برآید (واحدی، ۱۳۸۷: ۳۱). کیفر خدمات عام‌المنفعه، کار مجانی - به مقدار و ساعت معین و با موافقت محکوم - برای یک مؤسسه، اتحادیه یا نهاد عمومی، تحت نظارت قاضی اجرای کیفرها اعمال می‌شود (کاشفی، ۱۳۸۰: ۳۶).

جزای نقدی روزانه - این جریمه‌ها به این دلیل «جریمه روزانه» نامیده می‌شوند که میزان آنها با درآمد روزانه مجرم ارتباط و پیوستگی دارد (آشوری، ۱۳۸۵: ۳۸۳).

محرومیت از حقوق اجتماعی - برای تعریف محرومیت از حقوق اجتماعی ابتدا باید به تعریف حق اجتماعی و پس از آن محرومیت از این حق پرداخت. لفظ حق در اصطلاح حقوقی، به معنای امتیاز و توانایی خاصی است که نظام حقوقی هر جامعه برای هر فردی قائل می‌شود؛ این حقوق ممکن است شامل حق مالکیت، حقوق مدنی، حقوق سیاسی و جز اینها باشند. حقوق اجتماعی به یک سلسله حقوق گفته می‌شود که به منظور رفع تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی برای فرد شناخته می‌شوند، حقوقی که قانونگذار برای اتباع خود در روابط با مؤسسات عمومی مقرر داشته است؛ مانند حقوق سیاسی، حق استخدام، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجلس و ... (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۲۳۶). در این مجازات مجرم از این حقوق محروم می‌شود.

تعویق صدور حکم - تعویق به معنای بازداشتن، عقب انداختن، تأخیر و درنگ کردن است. تعویق صدور حکم یعنی به تأخیر انداختن صدور حکم. در اینجا قاضی می‌تواند (در مورد متهمان) با وجود شرایط مقرر در قانون، صدور حکم را به تأخیر اندازد و از آنها ضمانت حسن رفتار در مدتی معین مطالبه کند. چنانچه در مدت مزبور رفتار وی پسندیده بود، قاضی به طور قطع از صدور حکم خودداری می‌کند، ولی هرگاه قصوری از وی ملاحظه شد و نقض عهد کرد، قاضی اقدام به صدور حکم می‌کند (بهری، ۱۳۷۴: ۳۳۹).

نظام نیمه آزادی - شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می‌شوند. این نوع از مجازات در آیین‌نامه‌های زندان‌ها پیش از سال ۱۳۵۷ نیز وجود داشتند و بر اساس آن کسی که به موجب حکم محکومیت دادگاه به حبس محکوم می‌شد، پس از تحمل مدتی از حبس با توجه به وضعیت روحی، روانی و تغییرات رفتاری و جز اینها با اجازه دادگاه می‌توانست برای کار و یا آموزش به بیرون از زندان برود.

نظارت الکترونیکی - اصطلاح نظارت الکترونیکی که ترکیبی از واژه نظارت و الکترونیک است، به مفهوم کنترل و مراقبت از طریق ابزارهای الکترونیکی است (محمد نسل، ۱۳۸۴: ۲۴). کنترل و نظارت بر اشخاص از طریق ابزار و وسایل الکترونیکی در محیط خارج از زندان مدنظر است (تدین، ۱۳۸۷: ۲۴). در برخی از نظام‌های حقوقی از نظارت الکترونیکی همچون مجازاتی مستقل برای برخی از جرایم نظیر جرایم مربوط به مواد مخدر و جرایم راهنمایی و رانندگی استفاده می‌شود (Nellie, 1991: 165).

۲. تجزیه و تحلیل آراء صادره از دادگاه‌ها

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در تجزیه و تحلیل آراء باید مدنظر باشد توجه به متغیرهای ذکر شده در پرونده شخصیت است که انتظار آن است قاضی صادرکننده رأی با توجه به آنها

برای مجرم پاسخ مناسب را تعیین کند. با توجه به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ باید گفت که مواردی از قبیل سوابق و وضعیّت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و نیز وضعیّت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم، از جمله موضوعاتی هستند که در تشکیل پرونده شخصیت، مورد توجه قرار می‌گیرند و قاضی در هنگام صدور رأی باید به آنها توجه داشته باشد. حال در مقام بررسی این موضوع نتایج کمی و کیفی حاصل از این پژوهش تبیین می‌شوند.

۲-۱. فراوانی مجازات‌های جایگزین حبس

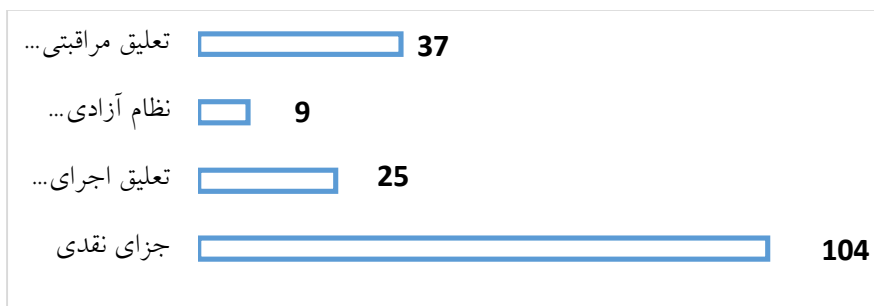
تحلیل آراء نشان می‌دهد قضات تمایل بیشتری برای استفاده از جایگزین‌های حبس سنتی دارند (با فراوانی ۸۷ درصد). فراوانی مربوط به جایگزین‌های نوین ۵۴ مورد است، در حالی که مجازات محرومیّت اجتماعی نیز به صورت ترکیبی و تکمیلی با سایر مجازات‌ها اعمال می‌شود. فراوانی هر کدام از این مجازات‌ها به صورت جداگانه تبیین می‌شود:

الف- جایگزین‌های سنتی: جزای نقدی، تعلیق اجرای مجازات و نظام آزادی مشروط از راهکارهای قانونگذار برای کاهش جمعیت زندان‌ها هستند. فراوانی مربوط به هر کدام از این مجازات‌ها در نمودار شماره (۱) آمده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

۱. ماده ۱۸: « (...) دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقرّرات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد: الف- انگیزه مرتکب و وضعیّت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم. ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن. پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم. ت- سوابق و وضعیّت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی.»

نمودار شماره ۱- فراوانی مجازات‌های جایگزین حبس سنتی



در استفاده از این جایگزین‌ها بیشترین فراوانی با تعداد ۱۰۴ مورد (۵۲ درصد) مربوط به مجازات جزای نقدی است. داده‌های این نمودار نشان می‌دهند که اعمال جزای نقدی برای قضات بسیار آسان‌تر از سایر جایگزین‌های سنتی است. باید گفت که اعمال مجازات جزای نقدی در کوتاه‌مدت هرچند باعث کاهش جمعیت زندان‌ها می‌شود، در بلندمدت قوام‌دهنده تفکر مادی‌گرایی کیفری و همچنین در آمدزایی از جرم است. همچنین، جریمه مالی فقرا، که اغلب مرتکب جرایم خرده‌پا می‌شوند، هرچند بهتر از اعمال مجازات حبس است، پاسخی معقول نیست. این مجازات با اصل شخصی بودن مجازات‌ها مخالف است، زیرا خواه‌ناخواه اثر آن به خانواده محکوم هم سرایت می‌کند. مجازات نقدی مجازاتی است که قاضی نمی‌تواند آن را با میزان دارایی و توانایی مالی مجرم در اجرای فردی کردن مجازات متناسب کند.

تعليق مراقبتی نیز که ناظر بر مجازات‌های درجه ۳ تا ۸ است مجموعاً در ۶۲ رأی مورد توجه قرار گرفته است. در تعداد ۳۷ رأی از ۶۲ رأی از تعليق مراقبتی استفاده شده است. در استفاده از این روش پاسخ‌دهی، داغ‌ننگ ناشی از اعمال مجازات حبس کاهش می‌یابد، زیرا بیشتر مجرمان هنگامی که با نظام عدالت کیفری مواجه می‌شوند و در این فرایند واجد عنوان «مجرم» و «جنایتکار» می‌شوند، از آن پس تحت این عنوان شناخته می‌شوند یا خود را با این عنوان می‌شناسند (Carter and Wilkins, 1976: 90). در نتیجه تعليق مراقبتی برای بسیاری از

مجرمین راه‌حلی مناسب جهت جلوگیری از زندانی شدن آنان و پیشگیری از تبعات زیان‌بار زندان و نیز بازپروری اجتماعی موفق آنان است. تردیدی وجود ندارد کار کردن با مجرم در اجتماع از طریق تعلیق مراقبتی مؤثرتر از حبس او در زندان جهت بازپروری وی است (superk, 1992: 5).

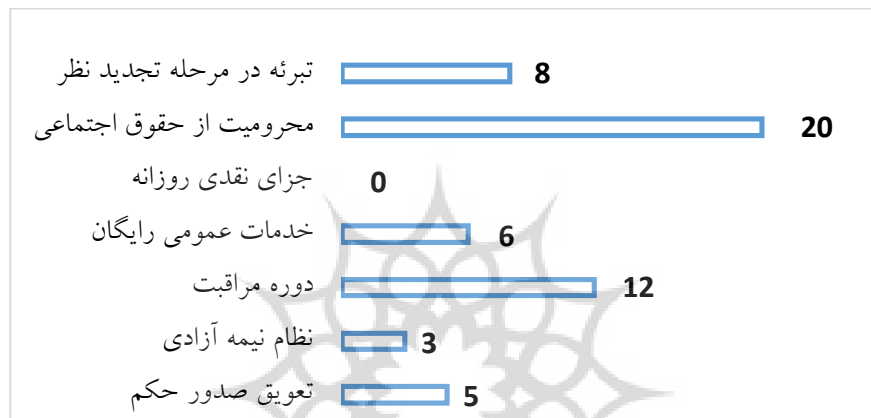
ب- جایگزین‌های نوین: دوره خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی روزانه، محرومیت از حقوق اجتماعی، دوره مراقبتی، نظام نیمه آزادی و تعویق صدور حکم مجازات‌های نوینی هستند که فراوانی هر کدام از آنها در نمودار شماره (۲) ذکر شده است. محرومیت از حقوق اجتماعی و دوره مراقبت بیش از سایر مجازات‌های جایگزین مورد توجه و استفاده قضات قرار گرفته‌اند. ضمانت اجرای سلب حقوق اجتماعی جایگزین مجازات سلب آزادی بسیار گسترده و کارآمد است، چراکه حقوق اجتماعی تعبیر عامی است که ممکن است تمامی عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، مدنی و اقتصادی زندگی انسان را شامل شود. محرومیت از اشتغال به کسب یا شغل یا حرفه از جنبه ارباب و بازدارندگی، ضمانت اجرای مفیدی محسوب می‌شود که نه تنها از پرداختن به برخی مشاغل فراهم‌کننده زمینه رفتارهای مجرمانه ممانعت می‌کند، بلکه به لحاظ تنگنایی که در معیشت محکوم‌علیه و خانواده‌اش ایجاد می‌کند به اندازه کافی رنج و مشقت را به محکوم تحمیل می‌کند و ممکن است مانع تکرار جرم شود (فاخری، ۱۳۹۰: ۵۷). در اینجا قضات در ۳۷ درصد از مجازات‌های جایگزین حبس نوین از این مجازات استفاده کرده‌اند.

دوره مراقبت نیز تقریباً ۲۲ درصد فراوانی مجازات‌های جایگزین حبس نوین را در نمونه مورد مطالعه به خود اختصاص داده است. این دوره در عمل همان شرایط و آثار تعلیق مراقبتی فشرده را دارد و یک ضمانت اجرای مستقل جانشین حبس محسوب می‌شود (آشوری، ۱۳۸۵: ۲۹۱). ایجاد رابطه‌ای که این احساس را به بزهکار منتقل کند که شخص تحت نظارت، مراقبت و کمک دیگران است، دسترسی مراقب به منابع و ابزار مالی و خدمات محلی برای کمک به فرد مورد نظر، دسترسی به مشاوران حقوقی و جز آن برای کمک و یا به کارگیری افراد تحت

مراقبت نیز از جمله موضوعاتی هستند که قضات در هنگام اعمال دوره مراقبت باید به آنها توجه داشته باشند (Joanna, 2012: 43).

با توجه به فراوانی‌های به دست آمده می‌توان گفت: جزای نقدی روزانه به طور مطلق، دوره مراقبت و خدمات عمومی رایگان به طور نسبی به دلایل مختلف مورد توجه قرار نگرفته‌اند. در اینجا باید گفت قضات برای صدور رأی بیشتر تمایل به انتخاب ساده‌ترین راه دارند.

نمودار شماره ۲- فراوانی مجازات‌های جایگزین حبس نوین



۲-۲. ضریب همبستگی

در این قسمت ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن محاسبه شده است. میزان همبستگی بین متغیرهای مستقل پژوهش با متغیر وابسته (مجازات جایگزین حبس) در جدول شماره (۱) نشان داده شده است.

جدول شماره ۱- ضریب همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته^۱

ردیف	متغیر	ضریب همبستگی (جایگزین‌های سنتی)	Sig ^۲	ضریب همبستگی (جایگزین‌های نوین)	Sig
۱	شغل	.301**	.000	.207*	.008
۲	پیشینه	-.218*	.007	-.293**	.000
۳	نوع مجازات	.209*	.006	.178*	.017
۴	نوع جرم	.227*	.006	.193*	.012
۵	پرونده شخصیت	.241*	.004	.288**	.000
۶	زمان اجرای حکم	-.215*	.007	.153*	.024
۷	سن	-.280**	.000	معنادار نیست	
۸	وکالت	.183*	.018	معنادار نیست	

هر کدام از متغیرها جداگانه بررسی می‌شوند:

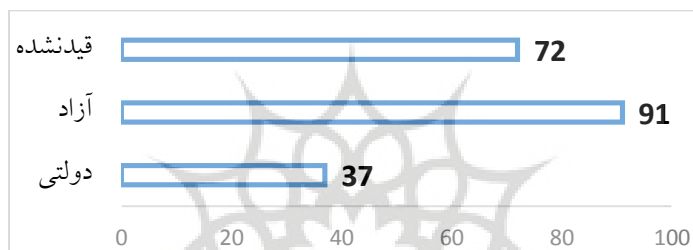
الف- شغل: داده‌های جدول شماره (۱) نشان می‌دهند که شغل یک متغیر تأثیرگذار با سطح اطمینان ۹۹ درصد و میانگین ضریب همبستگی ۳۰ و ۲۰ درصد است که ارتباط معناداری را با متغیر وابسته (جایگزین‌های نوین و سنتی) دارد؛ بدین معنی که قضات تمایل دارند از حکم جزای نقدی - یکی از جایگزین‌های مهم حبس - برای افراد شاغل استفاده کنند.

۱. (*) در سطح ۹۵ درصد معنادار است. (***) در سطح ۹۹ درصد معنادار است.

۲. سطح معناداری.

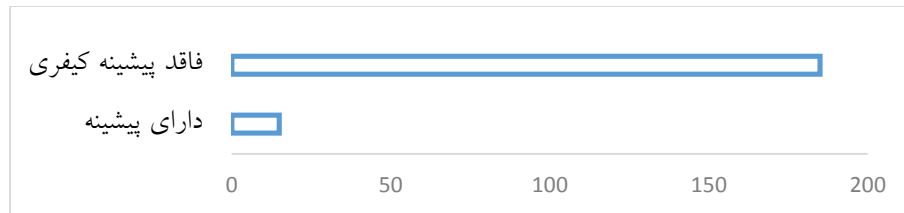
در نمونه مورد مطالعه با توجه به اطلاعات موجود در آراء و پرونده‌ها، شغل افراد در ۳ طبقه تقسیم‌بندی شده است. توزیع فراوانی مربوط به شغل نمونه مورد بررسی در نمودار شماره (۳) نشان داده شده است. با توجه به داده‌های به دست آمده بیشترین فراوانی مربوط به مشاغل آزاد است. موضوعی مهم که باید در اینجا به آن اشاره کرد این است که شرایط شکلی آراء صادره نامنظم است و معمولاً مشخصات محکومان به صورت دقیق ثبت نمی‌شود. شغل مانند ستون فقرات شخصیت، یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که قضات در هنگام صدور رأی باید به آن توجه کنند و وضعیت شاغل یا بی‌کار بودن فرد را در نوع و میزان مجازات دخالت دهند.

نمودار شماره ۳- فراوانی مربوط به شغل



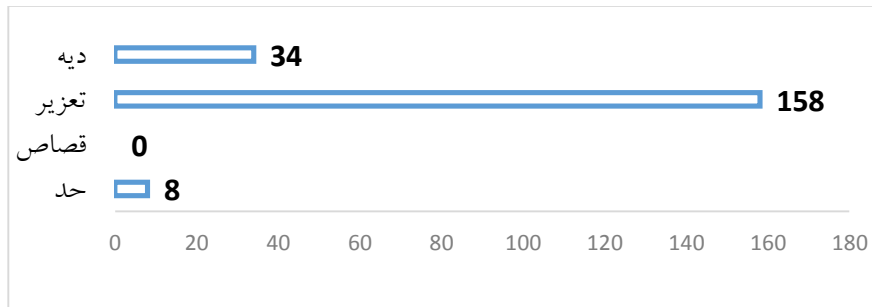
ب- پیشینه کیفری: داده‌های جدول شماره (۱) نشان می‌دهند که میانگین ضریب همبستگی پیشینه کیفری با متغیرهای جایگزین‌های حبس نوین و سنتی به ترتیب منفی ۲۹ و منفی ۲۱ است. این داده‌ها نشان می‌دهند که هرچه پیشینه کیفری افراد پررنگ‌تر شود، تمایل قضات و قانون برای اعمال مجازات جایگزین‌های حبس نسبت به آنها کمتر می‌شود؛ این موضوع در جایگزین‌های حبس نوین عینیت بیشتری دارد. با توجه به داده‌های نمودار شماره (۴) از ۲۰۰ حکم صادره تقریباً ۹۲ درصد فاقد پیشینه کیفری بوده‌اند.

نمودار شماره ۴- فراوانی پیشینه کیفری



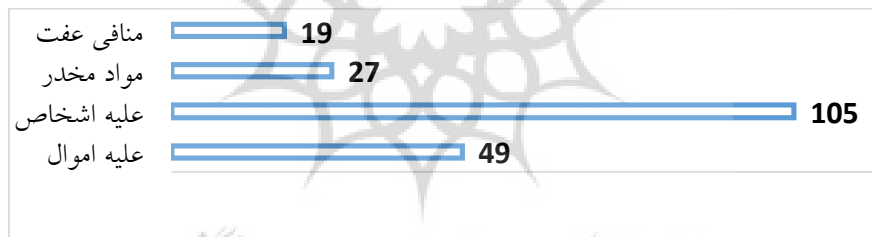
پ-نوع مجازات: همچنین داده‌های جدول شماره (۱) با سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهند که میانگین ضریب همبستگی بین متغیر نوع مجازات و جایگزین حبس سنتی و نوین به ترتیب ۲۰ و ۱۷ درصد است. عمده این میزان همبستگی مربوط به مجازات‌های تعزیری است که قانونگذار زمینه اعمال مجازات‌های جایگزین را برای آنها بیش از سایر مجازات‌ها فراهم آورده است. اختصاص جایگزین‌ها به مجازات‌های درجه ۷ و ۸ و بخشی از مجازات‌های درجه ۶ که نهایتاً میزان حداکثر مجازات آن در جرایم عمدی به یک سال حبس می‌رسد - آن هم به صورت اختیاری - بیانگر فاصله افکار تقنینی با فلسفه وجودی اعمال جایگزین‌های حبس است. اگر دایره شمول این جایگزین‌ها تا مجازات درجه ۴ ناظر به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی افزایش یابد و همچنین تخییری بودن جایگزین‌ها حداقل تا درجه ۶ به الزامی بودن دیگرگون شود، تعارض عملکرد قانونگذار با اهداف مجازات‌های جایگزین حبس بسیار کم‌رنگ‌تر می‌شود. به هر حال، مجازات تعزیری با فراوانی ۷۹ درصد بیشترین نوع مجازات به کاررفته در نمونه مورد مطالعه بوده است. میزان هر یک از انواع مجازات‌های جانبی در نمودار شماره (۵) نشان داده شده است.

نمودار شماره ۵- فراوانی انواع مجازات‌ها



ت- نوع جرم: همانطور که جدول شماره (۱) نشان می‌دهد، میانگین ضریب همبستگی نوع جرم با جایگزین‌های سنتی و نوین به ترتیب ۱۹ و ۱۷ درصد است که به سطح معناداری بسیار نزدیک است. عمده میزان این همبستگی مربوط به جرایم علیه اشخاص و مجازات جزای نقدی است. همانطور که فراوانی نمودار شماره (۶) نشان می‌دهد، قضات در جرایم علیه اشخاص بیشتر از جایگزین‌های حبس استفاده می‌کنند (تقریباً ۵۲ درصد از آراء).

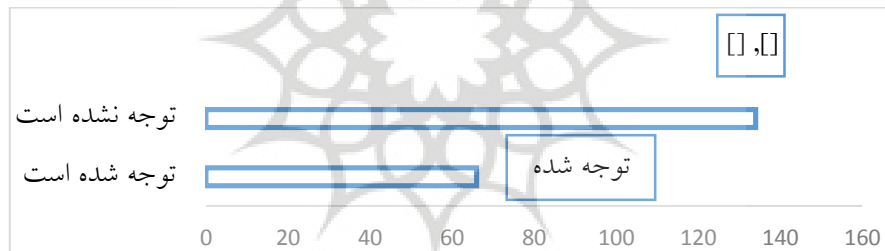
نمودار شماره ۶- فراوانی انواع جرایم



ث- پرونده شخصیت: نخستین گام برای اصلاح و درمان یزهکار شناخت شخصیت و شرایط زندگی او است، اما متأسفانه در مراحل کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، تعقیب جرم و دادرسی اثری از پرونده شخصیت وجود ندارد و قانونگذار نسبت به آن بی تفاوت بوده و تحقیق راجع به شخصیت متهم تنها به وسیله قاضی یا ضابطان ضمن پرونده کیفری انجام می‌شود؛ با توجه به تراکم پرونده‌ها، نبود روان‌پزشک و روان‌شناس در دستگاه قضایی و دیگر مشکلات اجرایی، معمولاً این موضوع نادیده می‌ماند. همچنین، الزامی نبودن تشکیل این پرونده و عدم تنوع در

ضمانت اجراهای کیفری آن از دیگر مشکلات قانونی است (محمدیان و محمدرضا پور، ۱۳۹۲: ۸) که موجبات بی‌اهمیتی و عدم توجه به آن را فراهم آورده است. برای تشخیص توجه یا عدم توجه به این عامل مهم و تأثیرگذار در اصلاح و درمان بزهکاران، در برخی موارد به پرونده‌ها و در برخی دیگر به ادبیات رأی توجه شده است. با توجه به داده‌های جدول شماره (۱) میانگین ضریب همبستگی پرونده شخصیت و نوع مجازات جایگزین سنتی با سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۲۴ درصد است. همچنین، میانگین ضریب همبستگی این متغیر با نوع مجازات‌های جایگزین‌های نوین با ضریب اطمینان ۹۹ درصد، تقریباً ۲۸ درصد است. هر اندازه قضاوت توجه بیشتری به شخصیت متهم داشته باشند، احتمال اعمال مجازات‌های جایگزین حبسی که جنبه اصلاحی بیشتری دارند افزایش پیدا می‌کند (جزای نقدی کمتر دارای جنبه‌های اصلاحی است). تحلیل محتوای آراء صادرشده و پرونده‌ها در نمودار شماره (۶) نشان می‌دهد که از میزان ۲۰۰ رأی مورد مطالعه در ۶۷ درصد آراء به شخصیت و یا ویژگی‌های متهم اشاره نشده است.

نمودار شماره ۷- فراوانی مربوط به پرونده شخصیت

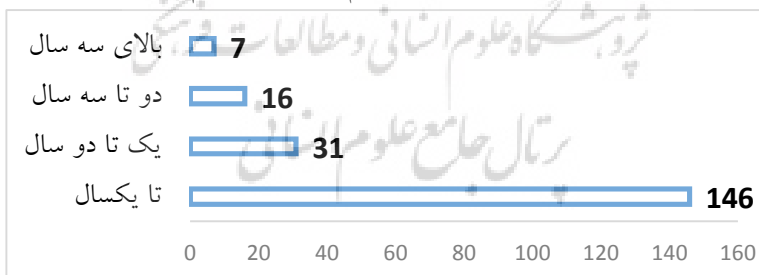


در نهایت، رعایت اصل تناسب نیازمند ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در کنار پرونده قضایی است؛ با این توضیح که استفاده از برنامه‌های جایگزین حبس جهت تعدیل حبس باید سنجیده و نیز مبتنی بر رعایت اصل تناسب «فردی کردن مجازات‌ها» باشد (غلامی و ملکی، ۱۳۹۴: ۶۶). کم توجهی قضاوت به شخصیت متهم ممکن است دلایل بی‌شماری داشته باشد: عدم تجویز قانون‌گذار، تراکم پرونده‌ها، بی‌اهمیتی جرایم درجه ۶، ۷ و ۸ از نظر قضاوت، عدم آگاهی قضاوت از اهمیت موضوع، ماشینی شدن دستگاه قضایی و جز اینها. در اینجا بر این نکته

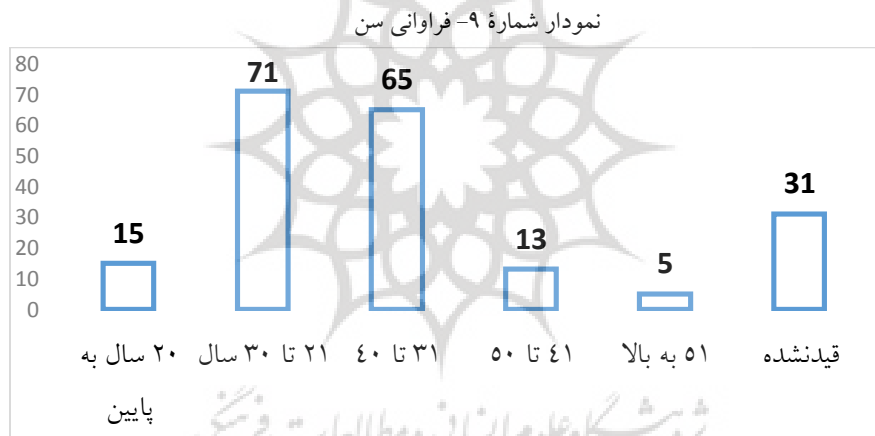
تأکید می‌شود که منظور از پرونده شخصیت مفهوم مضیق و قانونی آن نیست که در ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری به آن اشاره شده است، زیرا جرایمی که در این سطح باید برای آنها پرونده شخصیت تشکیل شود معمولاً مجازات جایگزین حبس شامل‌شان نمی‌شود.

ج- مدت زمان لازم برای اجرای حکم: با توجه به جدول شماره (۱) زمان لازم برای اجرای حکم با سطح اطمینان ۹۵ درصد و میانگین ضریب همبستگی منفی ۲۱ درصد ارتباط معناداری با جایگزین‌های سنتی دارد؛ یعنی هرچه استفاده از جایگزین‌های سنتی حبس بیشتر می‌شود، زمان لازم برای اجرای حکم کاهش پیدا می‌کند. قضات در اعمال مجازات‌های جایگزین حبس سنتی توجه بیشتری به مجازات جزای نقدی دارند و کمتر تمایل دارند که خود و دستگاه قضایی را درگیر مجازات‌ها و نظارت‌های بلندمدت کنند. این همبستگی برای مجازات‌های جایگزین نوین ۱۵ درصد است؛ یعنی مجازات‌های نوین نسبت به سنتی زمان برتر هستند. نمودار شماره (۷) زمان مورد نیاز برای اجرای احکام صادره را به تفکیک نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی با ۷۳ درصد مربوط به زمان کمتر از یک سال است. تأثیر میزان بالای صدور حکم جریمه نقدی، که پرداخت آن معمولاً باید سریع باشد، بر این فراوانی کاملاً مشهود است. برخی قضات با گریز از حساب و کتاب‌های مدت‌دار مانند یک دکتر تمایل دارند که با تزریق یک آمپول در کوتاه‌ترین زمان پرونده بیمار را ببندند. این در حالی است که مراقبت‌های مدت‌دار و آموزش‌های زمان‌بر تأثیر بهتری بر اصلاح مجرم دارند.

نمودار شماره ۸- مدت زمان لازم برای اجرای حکم



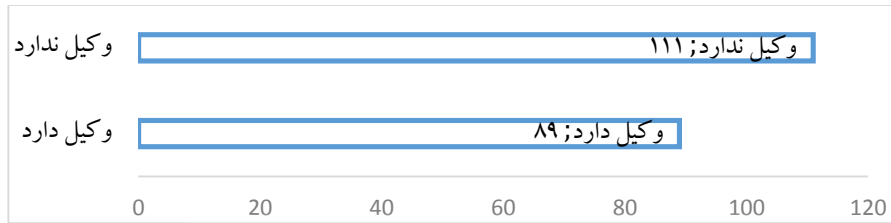
چ- سن: متغیر سن با سطح اطمینان ۹۹ درصد و ضریب منفی ۲۸ درصد به صورت معکوس با متغیر جایگزین سنتی همبستگی دارد (با توجه به جدول شماره ۳)؛ یعنی هرچه میزان سن متهم بالاتر برود، استفاده از جایگزین‌های سنتی حبس کمتر می‌شود. این در حالی است که هر چقدر سن مجرمان بالاتر باشد، ممکن است سابقه کیفری نیز بیشتر شود. به بیان ساده‌تر قضات برای مجازات کردن جوانان بیشتر از این جایگزین‌ها استفاده می‌کنند. اطلاعات مربوط به ویژگی‌های سنی نمونه مورد بررسی در نمودار شماره (۸) نشان داده شده است. بر اساس داده‌های به دست آمده بیشتر مجرمان به ترتیب در گروه‌های سنی ۳۰-۲۱ سال و ۴۰-۳۱ سال قرار دارند که نشانگر جوان بودن جمعیت محکومان است. مشخص است که فشارهای درونی برای ارتکاب جرم در این رده‌های سنی بیش از سایرین است و در سنین ۲۰ تا ۴۰ سال نیازهای زیستی (اقتصادی، جنسی و ...) در اوج خود قرار دارند.



ح- وکالت: میانگین ضریب همبستگی استفاده از وکیل در پرونده‌ها با جایگزین‌های سنتی ۱۸ درصد است که تقریباً این رابطه معنادار است. به نظر حضور وکیل در اعمال جایگزین‌های سنتی به خصوص مجازات جزای نقدی تأثیر دارد. همچنین، همبستگی بین متغیر پیشینه کیفری و استفاده از وکیل در سطح منفی ۲۸ درصد کاملاً معنادار است؛ بدین معنا که هرچه فراوانی

پیشینه کیفری افزایش یابد، میزان استفاده از خدمات و کالتی در بین متهمان کاهش می‌یابد. این موضوع نشان می‌دهد افراد با سابقه با آشنایی نسبی با دستگاه قضایی تمایل دارند خود فرآیند دادرسی را پیگیری کنند. اطلاعات مربوط به فراوانی حضور و کیل در نمودار شماره (۹) آمده است.

نمودار شماره ۱۰- فراوانی مربوط به وکیل



خ- سایر همبستگی‌ها: توجه به دیگر داده‌ها ابعاد موضوع را روشن‌تر می‌کند: ضریب همبستگی تأهل با پیشینه کیفری در حد ۲۶ درصد است (افراد متأهل دارای پیشینه کیفری بیشتری هستند).

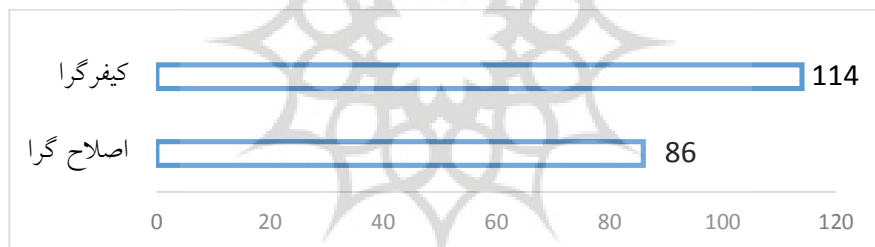
متغیر شغل با سطح اطمینان ۹۹ درصد و ضریب همبستگی ۲۸ درصد با اصلاح‌گرا یا کیفرگرا بودن قاضی همبستگی نشان می‌دهد؛ یعنی افرادی که شاغل هستند توجه قضات را برای استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس و برنامه‌های اصلاحی بیشتر به خود جلب می‌کنند. همچنین، میانگین ضریب همبستگی این متغیر با زمان لازم برای اجرای حکم با منفی ۱۸ درصد تقریباً معنادار است؛ بدین معنا که افراد شاغل سریع‌تر از افراد فاقد شغل از مجازات و آثار جانبی آن خلاصی پیدا می‌کنند.

کیفرگرایی دارای گونه‌ها و انواع مختلفی است؛^۱ کیفرگرایی قضایی یکی از انواع آن است که در اینجا مورد توجه قرار گرفته است. ضریب همبستگی بین پیشینه کیفری با اصلاح‌گرا و یا

۱. این رخداد اگر در قلمرو اجتماعی - فرهنگی ظهور یابد، از آن تحت عنوان کیفرگرایی فرهنگی - اجتماعی یاد می‌شود؛ همچنان که ممکن است در قلمرو تقنینی موجب وضع قوانین شدیدتر و سخت‌گیرانه‌تری شود که از آن تحت عنوان کیفرگرایی تقنینی یاد می‌کنیم (غلامی، ۱۳۹۵: ۳۶۵).

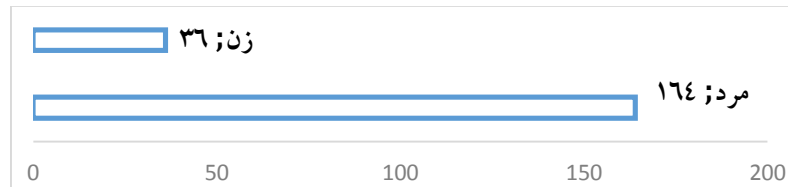
کیفرگرا بودن قاضی منفی ۳۵ درصد است؛ یعنی هر اندازه پیشینه کیفری بیشتر می‌شود، تمایل قضات به استفاده از برنامه‌های اصلاحی کمتر می‌شود. قضات در ۵۷ درصد از کل آراء، کیفردهی را دنبال کرده‌اند. قضات از مجرای جایگزین‌های حبس نیز برنامه‌هایی را که جنبه کیفری بیشتری دارند (جزای نقدی) انتخاب می‌کنند و به برنامه‌های مراقبتی که جنبه اصلاحی و درمانی دارند کمتر توجه می‌کنند. شناخت مفهوم کیفرگرایی و بازشناسی ابعاد و گونه‌های آن برای تشخیص چگونگی و چرایی ابتلا به این آسیب قلمرو اجرای عدالت کیفری، امری ضروری است. در حالی که عدالت کیفری تحت تأثیر مبانی سنتی و حقوق بشری بر ضرورت پاسخ مناسب به بزه و بزهکار تأکید می‌کند، رسوخ گفتمان سیاسی - اقتصادی و فرهنگی همراه با ورود موج نظامی‌گری در امور کیفری به ویژه برای مبارزه با برخی جرایم خشونت‌آمیز، زمینه‌ساز شدت عمل کیفری و جایگزینی امنیت‌مداری به جای عدالت‌محوری در برخی قلمروهای کیفری شده است (غلامی، ۱۳۹۵: ۳۵۸).

نمودار شماره ۱۱- فراوانی مربوط به سیاست قضات



و سخن پایانی اینکه هرچند میان متغیر جنسیت و مجازات‌های جایگزین حبس، همبستگی معناداری مشاهده نشد، با توجه به فراوانی ۱۸ درصد مربوط به جنسیت زن می‌توان گفت به نسبت جرایم و سایر مجازات‌ها، زنان برای اعمال مجازات‌های جایگزین بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

نمودار شماره ۱۲- فراوانی مربوط به جنسیت



نتیجه

هرچند سیاست جنایی قضایی متأثر از شیوه قانونگذاری است، این تأثیرپذیری هرگز به معنی تشابه و تطابق کامل نیست. قضات در هنگام روبرو شدن با متهم، تحت تأثیر آموزش‌های پیشین، فرهنگ، خلاقیت و اخلاقیات خود و با استفاده از کتاب قانون به تقابل با جرم و مجرم می‌پردازند. قضات با تفسیر مضیق به نفع متهم در موارد ابهام یا سکوت می‌توانند عدم تحقق شرایط جرم و وجود کیفیات مخفف و معاذیر معاف‌کننده را مورد حکم قرار دهند. همچنین، قاضی می‌تواند از تدابیر جایگزین مجازات سالب آزادی و اقدامات تأمینی و تربیتی استفاده و از مجازات تکمیلی صرف نظر کند. در مرحله اجرای مجازات نیز مقامات اعمال‌کننده مجازات سالب آزادی می‌توانند از طریق فراهم کردن زمینه عفو و آزادی مشروط یا اعمال روش نیمه‌آزادی یا کیفر پایان هفته‌ای در امر کیفرزدایی گام بردارند. اما آنچه امروز مشخص شده این است که قانون‌نویسی نامناسب با مشکلات عدیده فرهنگی، اجتماعی و آموزشی در دستگاه قضایی تکمیل می‌شود و برخلاف انتظار و در تقابل با اصول بنیادین حقوق کیفری (اصول حقوق بشری، اصل حداقلی بودن مجازات، حق بر اصلاح و درمان و...) قضات به صورت بسیار محدود به مجازات‌های جایگزین حبس و دیگر پاسخ‌های اصلاحی و درمانی توجه نشان می‌دهند. در نتیجه سیاست جنایی قضایی نه تنها خنثی‌کننده اندک پیشرفت حاصل در سیاست

جنایی تقنینی است، بلکه تکمیل‌کننده نارسایی‌های آن نیز است؛ شاید بتوان گفت عمده مشکلات تقنینی در ایران نیز متأثر از روش عملکرد دستگاه قضایی است.^۱

گذشته از این مطالب، نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که تاکنون زمینه استفاده از برخی از مجازات‌های جایگزین فراهم نشده و استفاده از آنها به صورت کمینه بوده است. همچنین، توجه به پرونده شخصیت چه در مرحله قانونگذاری و چه در مرحله اجرایی بسیار کم‌رنگ است. تجزیه و تحلیل آراء صادره بیانگر این امر است که قضات از بین انواع جایگزین‌های حبس علاقه بیشتری به اعمال کیفر جزای نقدی دارند. به نظر شایسته است که دیدگاه‌های قضایی به سمت مجازات‌های جایگزین نوین از جمله دوره مراقبت، خدمات عام‌المنفعه، جزای نقدی روزانه، نظام نیمه‌آزادی و تعویق صدور حکم بیشتر جلب شود. این امر نیازمند علمی کردن قضاوت‌ها است، چنانکه باید تبیین و آموزش مجازات‌های جایگزین حبس نوین برای قضات ضروری شود.

در ادامه به نظر می‌رسد اصلاح قوانین مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس، به خصوص مجازات‌های جایگزین حبس نوین، با این رویکرد که تا حد ممکن استفاده از آنها برای قضات تسهیل شود ضروری است. همچنین، روزآمد شدن اطلاعات حوزه آسیب‌های اجتماعی و آموزه‌های نوین جرم‌شناسی (عدالت ترمیمی، حق بر مجازات نشدن، پیشگیری و درمان مجرمان و ...) برای قضات و وکلا و توجه دادن آنها به نتایج سوء کیفر حبس لازم است. از همه مهم‌تر بسترسازی فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی برای اجرای این مجازات‌ها نباید نادیده گرفته شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. اصل ۱۵۶ نهیة لوائح قضایی را از وظایف رئیس قوه قضائیه می‌داند. همچنین دستگاه تقنینی تحت تأثیر قوه قضائیه به تصویب قانون می‌پردازد.

منابع

فارسی

- آشوری، محمد. (۱۳۷۶). عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، تهران، گنج دانش.
- (۱۳۸۵). عدالت کیفری ۱، تهران، گنج دانش.
- آقای نیما، حسین. (۱۳۷۶). تعلیق مراقبتی در دنیا، تهران، میزان.
- ابول اسال، ژان. (۱۳۷۹). «جایگزین‌های سلب آزادی و برآورد ترازنامه اجرای آن‌ها در حقوق فرانسه»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۱ و ۳۲.
- احمدی موحد، اصغر. (۱۳۸۷). اجرای احکام کیفری، تهران، میزان.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی، تهران، میزان.
- باهری، محمد. (۱۳۷۴). حقوق جزای عمومی، تهران، رهام.
- تدین، عباس. (۱۳۸۷). «نظارت الکترونیکی»، نشریه حقوقی دادگستری، شماره ۶۴.
- حاجی تبار فیروزجائی، حسن. (۱۳۹۳). مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق کیفری ایران، تهران، فردوسی.
- حسینی نیک، سید عباس. (۱۳۹۴). مجموعه قوانین کاربردی مجلد، حقوقی، کیفری، تهران، مجلد.
- خالقی، ابوالمفتح. (۱۳۸۶). «کار به جای زندان»، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۲). ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
- جمشیدی، علیرضا. (۱۳۹۰). سیاست جنایی مشارکتی، تهران، میزان بهار.
- رحمانیان، احمد. (۱۳۹۵). «مزایای استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس»، شماره ۳، مجموعه مقالات همایش علمی کاربردی مجازات‌های جایگزین حبس.

- زراعت، عباس. (۱۳۹۲). شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران، ققنوس.
- صلاحی، جاوید. (۱۳۹۲). کیفرشناسی، تهران، میزان.
- کاشفی، حسین. (۱۳۸۰). «کیفرهای جایگزین زندان در حقوق فرانسه»، مجله حقوق دادگستری، شماره ۳۶.
- غلامی، حسین. (۱۳۹۵). کیفرشناسی، تهران، میزان.
- (۱۳۹۵). ازدحام در زندان، تهران، میزان.
- (۱۳۹۵). علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاری بین‌المللی، مجموعه مقالات نکوداشت دکتر سیلویا تلنباخ، تهران، میزان.
- (۱۳۸۰). «ارزیابی جرم‌شناختی دو نهاد حقوق کیفری تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط»، پژوهش حقوق سیاست، شماره ۵.
- غلامی، میثم و ملکی، امین. (۱۳۹۴). «مجازات‌های جایگزین حبس و نقش آن در پیشگیری از تکرار جرم»، فصلنامه پیشگیری از جرم مطالعات، سال دهم، شماره ۳۷.
- فاخری، نریمان. (۱۳۹۰). علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران، سمت.
- محمد نسل، غلامرضا. (۱۳۸۴). «نظارت الکترونیک بر بزهکاران»، نشریه دانش انتظامی، ۲۴.
- محمدیان، سارا و محمدرضاپور، بابک. (۱۳۹۲). «لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرایند دادرسی کیفری ایران»، مجله پزشکی قانونی، شماره ۲ و ۳.
- ناظرزاده کرمانی، فرناز، امامی غفاری، زینب. (۱۳۹۳). «بررسی رویه و نگرش قضات دادگاه‌های اطفال تهران به جایگزین‌های مجازات حبس»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۵.
- واحدی، حسن. (۱۳۸۷). «جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران»، نشریه پیام آموزش، ۳۱.

- والهی، حمید و احسان پور، سید رضا. (۱۳۹۵). «جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آن‌ها در نظام عدالت کیفری ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۸۵
- یکرنگی، محمد و ایرانمنش، مهدی. (۱۳۸۷). «کیفرهای اجتماع‌محور: از نظریه تا عمل با تأکید بر پیش‌نیازهای اعمال کیفرهای اجتماع‌محور در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴.

انگلیسی

- Crowe, Ann H, Linda Sydney, Pat Bancroft, Beverly Lawrence. (2001). *Offender Supervision with Electronic technology, A Users Guide*, American Probation and parole Association, 2002, Gray, K, *Inmates teachers come with each detrital free press*.
- Cradwell, morris G. (1951). *Review of a new type of probation study made in Alabama, Federal probation*.
- Champion, Deany. (1988). *Felony probation*, New York, praeeger publishers.
- Carter, Robert M, and Ieslic T, Wilkins. (1976). *probation, parole and community correction*, New York, par Pubishers.
- Davis, superk. (1992). *survey, number of offenders under intensive probation, increases: Corrections compendium*, Lincoln, Nebraska, CEGA publishing.
- Nellie, Mike. (1991). *the electronic monitoring of offenders in England and wales*, British journal of criminology.
- Joanna, Shapland, Anthony Bottoms, Stephen Farrall, Camilla Priede, Gwen Robinson. (2012). *The quality of probation supervision*, Center For criminological Research, University of Sheffield.